

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور مرکز تهران

موضوع پایان نامه:

**شهر و روستا، تعارض سنت و مدرنیسم در
آثار داستانی غلامحسین ساعدی**

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر باقر صدری نیا

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

نگارش:

مهناز ابهری

بهمن ۱۳۸۸

تقدیم

تقدیم به پدر و مادرم که زندگی و هستی خود را
وامدار مهربانی و رنج آنان هستم.

سپاس‌گزاری

به نام پروردگاری که نعمت دانش و اندیشه را به انسان عنایت فرمود و درود و سلام بر پیامبر اکرم (ص)، معلم انسانیت و جانشینان پاک او. اکنون که کار این پایان نامه به مرحله نهایی خود رسیده است بر خود فرض می‌دانم از استادان فرهیخته به ویژه استاد فرزانه و دانشور، جناب آقای دکتر صدری نیا که علاوه بر راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود، این رساله را از خطاهای نگارشی پیراستند، صادقانه تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین از سرکار خانم دکتر کوپا، استاد فاضل و مهربان که در انتخاب موضوع و سایر مراحل تحقیق توصیه‌های عالمانه و ارزنده‌ی ایشان به راستی درخور تقدیر بوده، کمال سپاس را به جای آورم و نیز از یکایک استادان گروه زبان و ادبیات فارسی به خصوص استاد ارجمند جناب آقای دکتر پشتدار، مدیر محترم گروه ادبیات فارسی و مسئولان و کارکنان دانشگاه پیام نور قدردانی نمایم.

توفیق حق بدرقه‌ی راهشان باد

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
	چکیده
۱	مقدمه
۶-۴۶	فصل اول: زندگی و آثار و سبک نویسندگی ساعدی
۷	بخش اول: زندگی و آثار
۸	زندگی ساعدی
۱۷	سالشمار ساعدی
۲۱	معرفی آثار ساعدی
۲۵-۴۶	بخش دوم: شیوه داستان پردازی و سبک نویسندگی
۲۶	بررسی سبک و شیوه داستان پردازی ساعدی
۲۷	ساعدی و رئالیسم جادویی
۳۷	درون مایه داستان های ساعدی
۴۲	نثر ساعدی
۴۳	نگاهی گذرا به هنر نمایش نامه نویسی ساعدی
۴۷-۵۸	فصل دوم: شهر و روستا و تعارض سنت و مدرنیسم
۴۸	شهر و روستا و تعارض سنت و مدرنیسم
۵۵	حاشیه نشینی
۵۸	روستا و شهر، سنت و مدرنیسم در آثار ساعدی
۶۴-۲۰۱	فصل سوم: بررسی و نقد داستان های ساعدی
۶۵-۱۵۳	بخش اول: داستان های شهری
۶۶	مجموعه داستانی «شب نشینی با شکوه»
۶۶	۱. شب نشینی با شکوه
۶۸	۲. چتر
۷۰	۳. مراسم معارفه
۷۱	۴. خوابهای پدرم

۷۳	۵. حادثه به خاطر فرزندان
۷۴	۶. ظهر که شد
۷۴	۷. مفتش
۷۵	۸. دایره‌ی درگذشتگان
۷۶	۹. سرنوشت محتوم
۷۷	۱۰. استعفانامه
۷۸	۱۱. مسخره‌ی نوانخانه
۷۹	۱۲. مجلس تودیع
۸۰	بررسی و نقد مجموعه شب نشینی باشکوه
۸۳	مجموعه داستانی «گور و گهواره»
۸۴	۱. زنبورک خانه
۸۴	الف) خلاصه داستان
۸۵	ب) بررسی و نقد
۸۸	۲. سایه به سایه
۸۸	الف) خلاصه داستان
۸۹	ب) بررسی و نقد
۹۱	۳. آشغال‌دونی
۹۱	الف) خلاصه داستان
۹۲	ب) بررسی و نقد
۹۳	مجموعه داستانی «دندیل»
۹۳	۱. دندیل
۹۳	الف) خلاصه داستان
۹۵	ب) بررسی و نقد
۹۷	۲. عافیتگاه

۹۷	الف) خلاصه داستان
۹۹	ب) بررسی و نقد
۱۰۰	۳. آتش
۱۰۰	الف) خلاصه داستان
۱۰۱	ب) بررسی و نقد
۱۰۳	۴. من و کچل و کیکاووس
۱۰۳	الف) خلاصه داستان
۱۰۵	ب) بررسی و نقد
۱۰۷	مجموعه داستانی «واهمه های بی نام و نشان»
۱۰۷	۱. دو برادر
۱۰۷	الف) خلاصه داستان
۱۱۱	ب) بررسی و نقد
۱۱۳	۲. سعادت نامه
۱۱۳	الف) خلاصه داستان
۱۱۵	ب) بررسی و نقد
۱۱۸	۳. گدا
۱۱۸	الف) خلاصه داستان
۱۲۰	ب) بررسی و نقد
۱۲۳	۴. خاکسترنشین ها
۱۲۳	الف) خلاصه داستان
۱۲۴	ب) بررسی و نقد
۱۲۶	۵. تب
۱۲۶	الف) خلاصه داستان
۱۲۷	ب) بررسی و نقد
۱۲۸	۶. آرامش در حضور دیگران
۱۲۸	الف) خلاصه داستان

- ۱۳۰ (ب) بررسی و نقد
- ۱۳۲ رمان «غریبه در شهر»
- ۱۳۲ الف) خلاصه داستان
- ۱۳۳ (ب) بررسی و نقد
- ۱۳۵ مجموعه داستانی «آشفته حالان بیداریخت»
- ۱۳۵ ۱. اسکندر و سمندر در باد
- ۱۳۵ الف) خلاصه داستان
- ۱۳۷ (ب) بررسی و نقد
- ۱۳۷ ۲. شنبه شروع شد
- ۱۳۷ الف) خلاصه داستان
- ۱۳۹ (ب) بررسی و نقد
- ۱۳۹ ۳. بازی تمام شد
- ۱۳۹ الف) خلاصه داستان
- ۱۴۰ (ب) بررسی و نقد
- ۱۴۱ ۴. خانه باید تمیز باشد
- ۱۴۱ الف) خلاصه داستان
- ۱۴۲ (ب) بررسی و نقد
- ۱۴۳ ۵. آشفته حالان بیداریخت
- ۱۴۳ الف) خلاصه داستان
- ۱۴۴ (ب) بررسی و نقد
- ۱۴۴ ۶. صداخونه
- ۱۴۴ الف) خلاصه داستان
- ۱۴۵ (ب) بررسی و نقد
- ۱۴۶ ۷. پادگان خاکستری
- ۱۴۶ الف) خلاصه داستان
- ۱۴۷ (ب) بررسی و نقد

۱۴۸	۸. میهمانی
۱۴۸	الف) خلاصه داستان
۱۴۹	ب) بررسی و نقد
۱۵۰	۹. ای وای توهم
۱۵۰	الف) خلاصه داستان
۱۵۲	ب) بررسی و نقد
۱۵۳	۱۰. واگن سیاه
۱۵۳	الف) خلاصه داستان
۱۵۵	ب) بررسی و نقد
۱۵۶-۲۰۱	بخش دوم: داستان های روستایی
۱۵۷	مجموعه داستان «عزاداران بیل»
۱۵۷	خلاصه قصه اول
۱۶۰	خلاصه قصه دوم
۱۶۲	خلاصه قصه سوم
۱۶۵	خلاصه قصه چهارم
۱۶۷	خلاصه قصه پنجم
۱۶۸	خلاصه قصه ششم
۱۷۰	خلاصه قصه هفتم
۱۷۳	خلاصه قصه هشتم
۱۷۴	بررسی و نقد داستان
۱۸۲	مجموعه داستان «ترس و لرز»
۱۸۲	خلاصه قصه اول
۱۸۵	خلاصه قصه دوم
۱۸۷	خلاصه قصه سوم
۱۸۸	خلاصه قصه چهارم
۱۸۹	خلاصه قصه پنجم
۱۹۰	خلاصه قصه ششم
۱۹۱	بررسی و نقد داستان
۱۹۵	رمان «توپ»
۱۹۵	الف) خلاصه رمان توپ

۱۹۷	ب) بررسی و نقد رمان توپ	
۲۰۱	رمان «تاتار خندان»	
۲۰۱	الف) خلاصه رمان تاتار خندان	
۲۰۲	ب) بررسی و نقد رمان تاتار خندان	
۲۰۵		نتیجه گیری
۲۰۷-۲۰۹		منابع

چکیده

اهمیت ساعدی در عرصه ادبیات داستانی ایران، ایجاب می‌کند که آثار او از جنبه‌های مختلف بررسی شود. توجه خاص او به مسائل شهری و روستایی سبب شد تا موضوع شهر و روستا و سنت و مدرنیسم در آثار داستانی او شایسته مطالعه و تحقیق به نظر برسد. در پایان نامه حاضر این موضوع در داستان‌های بلند و کوتاه ساعدی مورد بررسی قرار گرفته است تا میزان توجه او به مسائل شهر و روستا و نحوه انعکاس سنت و مدرنیسم در آثار داستانی او نشان داده شود. این پژوهش در یک مقدمه و سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول پس از پرداختن به زندگی ساعدی، درباره سبک نویسندگی و سهم مطالعات روانشناسی و عناصر روستایی در سبک او بحث شده است. در فصل دوم به شهر و روستا در ایران در فاصله زمانی ۱۳۵۷ - ۱۳۳۲، دوره اصلی خلق آثار ساعدی و مقوله سنت و مدرنیسم پرداخته شده است. در فصل سوم آثار داستانی ساعدی مطالعه و بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش در پایان رساله آمده است.

واژه‌های کلیدی: ساعدی، رئالیسم جادویی، روستا، شهر، سنت، مدرنیسم.

مقدمه

ادبیات داستانی ایران، با توجه به وسعت و تنوع آن شایستگی آن را دارد که از جنبه های مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. هر چند تا اکنون آثار گوناگونی در این زمینه به صورت کتاب پایان نامه و مقاله نوشته شده است، باز بسیاری از جنبه های آن نیازمند بحث و پژوهش است. آثار غلامحسین ساعدی (۱۳۱۴-۱۳۶۴ش) نیز مانند بسیاری از آثار داستانی دیگر با وجود مطالعاتی که تا حال صورت گرفته است، جای بررسی های متعدد دیگر دارد. جایگاه برجسته ساعدی در حوزه ادبیات داستانی سبب شد تا موضوع «شهر و روستا، تعارض سنت و مدرنیسم» در آثار داستانی او به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد انتخاب شود.

ساعدی از جمله نویسندگانی است که در داستان های خود به شهر و روستا از جنبه های متفاوت توجه کرده و بعضی از مسائل شهری و روستایی را با نگاه روانشناسانه خود منعکس کرده است. در عین حال ساعدی از پیشگامان ادبیات اقلیمی هم به حساب می آید. او در آثار مختلف خود به تصویر اقلیم مناطق مختلف پرداخته و از این جهت در رواج این نوع ادبیات داستانی که پیش از او در بعضی از آثار صادق چوبک، مانند «تنگسیر» نیز مورد توجه بوده، تاثیر گذاشته است. این جنبه کار او را از جمله درآثاری مانند عزاداران بیل، ترس و لرز و توپ می توان دید. نکته ای که درباره این قبیل آثار ساعدی که معمولا جزء داستان های روستایی او هم به حساب می آیند، شایسته ذکر به نظر می رسد، این است که این آثار حاصل گشت و گذار و مطالعه مستقیم و میدانی ساعدی در این مناطق است. به طوری که داستان معروف «عزاداران بیل» او محصول دوره ای است که او برای نوشتن تک نگاری «ایلخچی» مدتها در این منطقه از آذربایجان حضور داشته و درباره ایلخچی و بعضی از روستاهای اطراف آن تحقیق کرده است. به نظر می رسد که او در همین دوره از روستای «بیل» نیز که در چند کیلومتری ایلخچی قرار دارد بازدید کرده، و همین امر سبب شده است تا او مدتی بعد به نگارش داستانی عزاداران بیل اقدام کند.

داستان «ترس و لرز» هم محصول مطالعه دیگر او در خوزستان است که سرانجام به نوشتن تک نگاری «اهل هوا» منجر شد. حاصل بعضی از مطالعات او درباره روانشناسی مردم آن منطقه و اعتقادات و باورهای خرافی آنها هم در این داستان منعکس شده است.

داستان «توپ» هم که حوادث آن در دشت مغان و مناطق اطراف مشگین شهر می گذرد، پس از تحقیق دیگر او در منطقه که بعدها بانام «خیابو یا مشگین شهر» به چاپ رسید، نوشته شده است. به این ترتیب می توان گفت هر چند در نوشتن این داستان های اقلیمی، او از تخیل، تجربیات زندگی، اطلاعات اجتماعی و تاریخی خود هم استفاده کرده است، بخش قابل توجه مطالب آنها در

نتیجه اقامت او در منطقه وقوع حوادث داستان، به دست آمده است. این نکته به داستان‌های روستایی او اهمیت خاصی می‌دهد که در نوع خود شایسته توجه است.

از سوی دیگر ساعدی، چنان که می‌دانیم در شهر تبریز به دنیا آمده، در همان جا زندگی و تحصیل کرده، پس از اتمام دوره پزشکی، جهت اخذ تخصص در رشته روانپزشکی به تهران عزیمت کرده است. پس از آن مقیم پایتخت شده و به طبابت و نویسندگی پرداخته است. در عین حال او در دوره‌ای زیسته است که شهرهای ایران در حال تغییر و تحول بوده و بر اثر این تحولات سیل مهاجران روستایی به سوی شهرهای بزرگ جاری شد. این مهاجران همراه با اقشار فقیر و آسیب‌پذیر شهری، غالباً به صورت حاشیه‌نشین در اطراف شهرها و محلات فقیرنشین سکونت داشتند. ساعدی در دوران طبابت با این قبیل افراد رابطه زیادی داشته و با طرز زندگی و معیشت، باورهای خرافی، ترس و تنهایی آنها در متن زندگی شهر آشنا بوده است. از آنجا که پدر او کارمند بوده، از آغاز کودکی با زندگی کارمندان و وضعیت ادارات هم‌آشنایی داشته است. مداوای زنان درمانده و طرد شده جامعه که روزگار جوانی خود را باتن فروشی گذرانده و در دوران پیری با انواع بیماری و فقر و بی‌پناهی روزهای تلخی را سپری می‌کردند، سبب می‌شد که او نسبت به زندگی در محلات بدنام و عاقبت آن نیز شناخت کافی داشته باشد. طبابت در بیمارستان هم زمینه‌آشنایی او را با این قبیل محیط‌ها از دوران دانشجویی فراهم کرده بود. همه این آشنایی‌ها و تجربه‌ها به او امکان داده است تا در داستان‌های مختلف خود به ترسیم گوشه‌هایی از زندگی شهری بپردازد که در بسیاری مواقع از چشم‌ها پنهان مانده است. در داستان‌هایی مانند «گدا»، «آشغال‌دونی»، «دندیل»، «شب نشینی با شکوه» و بسیاری دیگر از داستان‌های او شاهد صحنه‌ها و جلوه‌هایی از زندگی اقشار آسیب‌پذیر شهری هستیم که ساعدی با هر یک از آنها در ضمن تجربیات زندگی خود آشنایی یافته است.

این نکته قابل ذکر است که ساعدی از دوران نوجوانی به فعالیت‌های سیاسی کشانده شده و تا آخر عمر هم به نوعی درگیر مسائل سیاسی جامعه خود بوده است. یکی از مشخصه‌های دوران زندگی او حاکمیت استبداد و حضور ماموران مخفی حکومت شاه در زندگی شهرنشینان بوده است. ساعدی به این مسئله هم حساسیت نشان داده و در چندین داستان خود با اختصار و اشاره به آن پرداخته است.

انعکاس وسیع مسائل شهر و روستا در داستانهای ساعدی پرداختن به این موضوع را لازم می‌نمود. به همین سبب در رساله حاضر کوشش شده است تا چهره شهر و روستا در آثار داستانی او تا آنجا که برای ما ممکن بود نشان داده شود.

پیشینه تحقیق

پیش از این درباره ساعدی آثار مختلفی نوشته شده است. بعضی از آنها مانند «گوهر مراد و مرگ خودخواسته» نوشته اسماعیل جمشیدی و یا شناختنامه ساعدی تألیف جوادمجابی بیشتر به حوادث زندگی و احیانا به بعضی از جنبه‌های نویسندگی او پرداخته اند. در کتابی هم که عبدالعلی دستغیب با نام «نقد آثار ساعدی» منتشر کرده، بعضی از داستان‌ها و نمایشنامه‌های او به صورت مختصر معرفی شده است. حسن اسدی نیز در کتاب کم حجمی درباره ساعدی پس از ارائه زندگی نامه کوتاهی از او، مانند دستغیب، البته به شیوه عملی تر از او به معرفی کوتاه داستان‌های ساعدی پرداخته است علاوه بر این‌ها روح الله پور عمرانی هم در کتاب نقد آثار ساعدی، پس از بحث نسبتا مفصلی درباره داستان نویسی ساعدی نمونه‌های از داستان‌های او را گرد آورده است. حسن میرعابدینی در کتاب صدسال داستان نویسی در ایران، بخشی را به ساعدی اختصاص داده و درباره شیوه و سبک داستان‌پردازی و رنگ اقلیمی داستان‌های او مطالب سودمندی نوشته است. به جز این آثار در کتاب «مکتب‌های داستان نویسی» نوشته قهرمان شیری هم فصلی درباره شیوه داستان‌نویسی ساعدی آمده است که در نوع خود قابل توجه است.

در کتاب «نویسندگان پیشرو ایران» نوشته محمدعلی سپانلو و کتاب «جویبار لحظه‌های خالی است» از دکتر محمدجعفر یاحقی و آثار متعدد دیگر هم به اختصار و یا به طور نسبتا مفصل از ساعدی سخن گفته شده است. در نوشتن پایان نامه اغلب این آثار مورد توجه قرار گرفته و از بعضی از آنها استفاده شده است.

همه این آثار از یک درجه اهمیت برخوردار نیستند. بعضی از آنها بیشتر اطلاعات زندگی نامه ای به دست داده اند. بعضی نیز به طور مختصر درباره سبک داستان نویسی او مطالبی را آورده اند و بیشتر به خلاصه داستان‌های او پرداخته‌اند و یا به نمایشنامه‌های ساعدی اهمیت داده اند. در استفاده از این آثار تا آنجا که ممکن بوده به این نکات توجه شده است. مقالاتی که درباره ساعدی نوشته شده است فهرست بلندی دارد، که در اینجا نمی توان درباره آنها بحث کرد. در نوشتن مطالب بعضی از قسمت‌های رساله حاضر از برخی مقالات استفاده شده است که در جای خود معرفی کرده‌ایم.

شیوه تدوین

این رساله علاوه بر چکیده و مقدمه در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول درباره زندگی، آثار و سبک ساعدی بحث کرده‌ایم و با توجه به موضوع رساله عناصر روستایی و شهری را در سبک او نشان داده‌ایم. فصل دوم به موضوع شهر و روستا و سنت و مدرنیسم اختصاص پیدا

کرده و در آن درباره شهر و روستا در دوران فعالیت ادبی ساعدی و به طور خاص از حدود ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ بحث شده است. در این فصل هم سعی کرده ایم به انعکاس بعضی از حوادث و تحولات اجتماعی و اقتصادی شهر و روستا در داستان های ساعدی به طور مختصر اشاره کنیم.

فصل سوم به معرفی و بحث درباره داستان های ساعدی اختصاص یافته است. این را به دو بخش تقسیم کرده ایم. در بخش اول داستان های شهری او بررسی شده و در بخش دوم به داستان های روستایی او پرداخته ایم. در هر دو بخش ابتدا چکیده داستان نقل شده و پس از آن تحت عنوان «بررسی» آنچه از منظر بحث ما اهمیت داشت ذکر شده است. مبنای این تقسیم بندی، جغرافیای حوادث داستان بوده است. آن دسته از داستان هایی که حوادث آن ها در شهر اتفاق افتاده و نویسنده در آن درباره مسائل شهری و نحوه زندگی در شهرها گفته است، تحت عنوان «داستان های شهری» آمده است. و داستان هایی که محل وقوع حوادث آنها روستا بوده، ذیل عنوان «داستان های روستایی» آمده است. براین اساس داستان هایی از نوع «تاتارخندان» که تنها بخش کوتاهی از آن به شهر ارتباط می یابد و بقیه داستان در روستا می گذرد به عنوان داستان روستایی طبقه بندی شده است. نتایج حاصل از مباحث این پایان نامه در پایان به طور اختصار بیان شده است.

فصل اول

زندگی، آثار و سبک نویسندگی ساعدی

– بخش اول: زندگی و آثار

– بخش دوم: شیوه داستان پردازی و سبک نویسندگی

بخش اول

زندگی و آثار سعدی

سعدی، زندگی و آثار

خوشبختانه درباره زندگی ساعدی و مخصوصاً دوران کودکی او اطلاعات دست اولی در اختیار داریم، علاوه بر مصاحبه‌ی مفصلی که در دانشگاه‌هاروارد با او به عمل آمده و در تاریخ شفاهی ایران درج شده است و او در ضمن این مصاحبه به طور مشروح درباره خانواده و ایام کودکی خود توضیح داده است (نک، جمشیدی، ۱۳۸۱، ۳۸-۳۵). برادر وی، اکبر ساعدی هم ضمن یک مصاحبه‌ی طولانی دیگر اطلاعات ارزشمندی درباره دوران کودکی و نوجوانی برادر خود در اختیار ما می‌گذارد، این اطلاعات از جهت موثق و منحصر به فرد بودن دارای اهمیت خاصی است. اسماعیل جمشیدی، در ضمن کتاب خود، گوهرمراد و مرگ ناخواسته (نشر علم، ۱۳۸۱) بخش‌های مختلف این مصاحبه را نقل کرده است، علاوه بر این‌ها خاطرات دوستان مختلف ساعدی هر کدام بخش‌هایی از زندگی او را برای خواننده آشکار می‌سازد، در میان آنها مخصوصاً باید به خاطرات رضا اغنمی، پسر دایی و دوست ساعدی اشاره کرد که تأثیر بعضی از خاطرات دوران کودکی او را در شکل‌گیری صحنه‌های بعضی از کتاب‌های او یادآوری کرده است (نک، اغنمی، زمان نو، اسفند ۱۳۶۴). خاطرات رضا براهنی، هوشنگ گلشیری، سیمین دانشور، جواد مجابی، و دیگران نیز هر کدام قسمتی از زندگی او را روشن می‌سازد.

وجود این آثار، سبب می‌شود نیازی به شرح مفصل زندگانی نباشد. از این جهت ما به اختصار و با استفاده از منابع مختلف تنها بعضی از جنبه‌های زندگی او را که خواه ناخواه در آثارش انعکاس یافته است از نظر می‌گذرانیم.

ساعدی در ۲۴ دیماه ۱۳۱۴ در تبریز متولد شد و کودکی را در خانواده مذهبی و معتقد به آداب و سنت‌های رایج گذراند، در این دوره که مصادف با اوج قدرت رضاشاه است، با وجود سیاست‌های شبه مدرنیستی حکومت و تلاش برای تغییر چهره جامعه سنتی ایران و شبه اروپایی کردن آن، جامعه همچنان پای بند به سنت‌های کهن و رایج بود و سیاست‌های حکومت جز در میان برخی اقشار وابسته به حکومت و بعضی از مؤسسات و نهادهای حکومتی نمود چندانی نداشت.

ساعدی در خانواده‌ای سنتی متولد شد و با همان آداب و عادت‌ها که غالباً جنبه‌ی مذهبی هم داشت بزرگ شد و بعدها که دست به قلم برد و نویسندگی پیشه کرد بعضی از جنبه‌های این نوع زندگی و آداب و رسوم و اعتقادات و خرافات رایج در میان مردم و اقشار سنتی جامعه را در آثار خود منعکس کرد. او در آثارش، در داستانها، نمایشنامه‌ها و مقالات و روایات خود غالباً نگران بخش خرافات مذهبی و آلودگی زندگی توده‌ها بوده و به «خشک مذهبان دگم اندیش» تاخته است و رنج دوران کودکی خود را بازتاب داده است. رنجی که پایانی نداشت.

ساعدی قبل از هفت سالگی با ابتکار پدرش حروف الفبا را آموخت و در مهر ماه سال 1321 در مدرسه ی بدر، تحصیل را آغاز کرد. از همین دوران دبستان است که او به دلیل آشنایی با الفبا زودتر از شاگردان دیگر مدرسه، روزنامه خوان شد و این موضوع سبب شد، غلامحسین در همان سال‌های اول دبستان با مسائل اجتماعی، اخبار و سیاست آشنا شود.

ساعدی در سال 1327 وارد دبیرستان منصور شد. یعنی زمانی که تمامی ایران در کشمکش‌های سیاسی فرو رفته بود و تبریز و آذربایجان بیشتر از سایر نقاط درگیر کشاکش‌ها بود. پیش از اینکه ساعدی راهی دبیرستان شود آذربایجان درگیر کشمکش دیگری بود و تشکیل فرقه دموکرات به اختلافات ابعاد وسیع تری داده بود. «اختلافات و حوادث این چنین در زندگی دانش آموز جوان که نه به اندازه ی کافی معلومات سیاسی داشت و نه صاحب تجربه و اندوخته ای علمی از سیاست و تجربیات تاریخی بود و جز جوش و خروش مبارزاتی برای ساختن جامعه ای مترقی و ایده آل و تأمین عدالت اجتماعی هدفی نداشت، امری گذرا نبود. از همه مهمتر به هنگام روی کار آمدن جعفر پیشه وری و تکیه بر کرسی صدارت تبریز، غلامحسین ده ساله بود. دانش آموز سال چهارم دبستان. آنچه اتفاق افتاده بود، تأثیر عمیق خود را بر جای می گذاشت. مهمترین آن تحصیل به زبان مادری بود که برای کودک تبریزی حادثه بی اهمیتی محسوب نمی شد. محصلین تبریز در چنین چرخش ناگهانی حکومت و سیاست جذب می شدند» (جمشیدی، 1381، 83).

وقتی غلامحسین با این پیش زمینه‌ها وارد دبیرستان شد خود به خود با سوالات سیاسی درگیر شد. در این سال‌ها فرقه دموکرات و حزب توده فعال بودند و بخش عمده مخاطبین آن جوانان بودند. ساعدی هم اهل مطالعه و بحث بود و با مطالعه کتاب‌هایی که به گفته برادرش هر روز کرایه می کردند بر آگاهی اجتماعی و سیاسی خود می افزود و با بحث‌ها و گفت و گوهایی که با جوانان فعال و پرشور سیاسی انجام می داد به تدریج با احزاب فعال آن سال‌ها نظیر حزب توده آشنا شده و به سوی آنها کشیده شد و مخفیانه به فعالیت می پرداخت تا اینکه فعالیت‌های سیاسی و حزبی گسترده شد و اعلامیه‌ها و اخبار رد و بدل شدند و فعالیت‌ها آشکار شد.

تقریباً در تمام میتینگ‌های تبریز آن روزها، غلامحسین حضور داشت. در پخش اعلامیه‌ها، شعارنویسی روی دیوارها دست داشت و حتی در همین دوره مسئول سه روزنامه به اسم‌های «فریاد»، «صعود» و «جوانان آذربایجان» نیز بود. تا اینکه غلامحسین کارش به زندان هم کشید.

ساعدی خود در مصاحبه ای که دانشگاه‌ها روارد با وی انجام داده است می گوید. «اولین بار

قبل از 28 مرداد به زندان رفتم. . . یک بچه بودم، و توی سازمان جوانان فرقه دموکرات کار می کردم که به صورت مخفی درآمد بود. مسئول سه تا روزنامه بودم. یکی به اسم «فریاد»، یکی

به اسم «صعود». . . و یک روزنامه ی سوم بود به اسم «جوانان آذربایجان» که مسئول همه کارشان من بودم. نوشتن از «بای» بسم الله تا «تای تمت» را. و بنده باید می‌نوشتم، گزارش تهیه می‌کردم، تفسیر سیاسی می‌نوشتم. بچه بودم، حتی ریش و سبیلم درنیامده بود. خوب بعد هم گیر افتادیم و هی می‌زدند و فحش می‌دادند و فلان و این‌ها. بعد از 28 مرداد هم برای چند ماهی مخفی بودم « (مصاحبه دانشگاه‌هاروارد، ۲۰ آوریل ۱۹۸۴، تاریخ شفاهی ایران، پاریس).

سه سال اول تا سوم دبیرستان غلامحسین در متن وقایع سیاسی گذشت، سیاسی شدن این نوجوان، یک انتخاب نبود، یک جریان بود. جریانی که همه را به سوی خود می‌کشید و جوانان حساس، اهل مطالعه و درگیر مسائل اجتماعی را بدون برنامه ریزی و هدف از پیش تعیین شده در مسیر خود قرار می‌داد. سال‌های پس از جنگ بود.

اولین دستاورد آلوده شدن به حزب و سیاست برای یک نوجوان مطالعه است. روزنامه‌ها، جزوه‌ها و کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند و باید خوانده شوند، بخش تبلیغات حزب به شیوه‌های مختلف، سمپات و یا عضو خود را وادار به مطالعه می‌کند. در درون غلامحسین، موازی با خواندن، میل به نوشتن نیز پیدا شد. او نیز تحت تأثیر مسائل و حوادثی قرار داشت که باید یک جوری روی کاغذ می‌آمد و ثبت می‌شد. به این ترتیب ساعدی نیز شروع به نوشتن کرد و در خلوت خود چیزهایی می‌نوشت.

بنا به گفته برادرش، غلامحسین در دبیرستان به چند دلیل جزو چهره‌های صاحب نام و معروف بود: یکی به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مثلاً مبارزاتی، که در بین محصلین شاخص شده بود و یکی دیگر به خاطر انشایی که می‌نوشت. آقای دولت آبادی (برادر بهروز دولت آبادی) که دبیر ادبیات آنها بود، درباره ی انشاهای غلامحسین نظریه اغراق آمیز اما جالبی داشت و می‌گفت: حتی استادان دانشگاه هم به این خوبی نمی‌توانند بنویسند.

آن روزها در تهران روزنامه ای چاپ می‌شد به نام «دانش آموز» که از نشریات حزب توده بود. غلامحسین مخفیانه اولین قصه خود را به نام «بازرس» به اسم «غ، س» که حروف اول نام و نام خانوادگی اش بود به چاپ رساند. و وقتی برادرش از جریان آگاه شد دیگر مخفی کاری نکرد و دومین قصه خود را به نام «از پافتاده‌ها» به تشویق برادر به مجله «کبوتر صلح» که آدم‌های اسم و رسم دار در آن مطلب می‌نوشتند فرستاد. چاپ این قصه در مجله کبوتر صلح تعریف‌ها و تمجیدهای بسیاری را برای ساعدی در پی داشت.

در اکتبر ۱۹۸۳ در غربت، در گفتگویی که به کار نویسندگی او اختصاص دارد، ماجرای

اولین نوشته‌هایش را چنین شرح می‌دهد: